



تمرین ۱

به عنوان مدیر مدرسه یا آموزگار لازم است درک مناسبی از مفهوم «فاصله» داشته باشید. برای این منظور بررسی این موارد کمک کننده‌اند:

۱. دانش‌آموزان شما را چه نوع آدمی می‌شناسند: رسمی و خشک یا ملایم و صمیمی؟

۲. امکان ارزیابی این موضوع را دارید؟ یعنی اصلاً به ذهن خودتان فرصت می‌دهید تا سؤال بالا را مطرح کند یا به هر دلیلی این سؤال را موجه نمی‌دانید؟

۳. نگاه شما به مفهوم فاصله تا چه اندازه تغییرپذیر است؟ اگر فکر می‌کنید درک شما از مفهوم «فاصله» خیلی درست نبوده است، آیا می‌توانید رفتارتان را تغییر دهید؟

۴. موضوع «فاصله»، چه بین مدیر و معلمان، چه بین معلم و دانش‌آموزان و چه بین عوامل مدرسه یا والدین، می‌تواند موضوع بحث جالبی در شورای معلمان باشد. اگر به افراد فرصت بدهید راحت حرف‌بزنند، شاید ناگفته‌های زیادی وجود داشته باشند.

در خانواده

بیایید به چندچون مفهوم فاصله در موقعیت‌های متعدد پردازیم تا ضرورت‌های بودن‌بود آن را بهتر درک کنیم. یکی از این موقعیت‌ها «خانواده» است. در حالت عادی و پیش‌فرض، افراد یک خانواده کسانی‌اند که همدیگر را بیشتر می‌بینند یا حداقل فاصله‌ی کمتری از هم دارند. با در نظر گرفتن همان معنای مجاز، خانواده‌هایی هستند که در عین نزدیکی بسیار از هم فاصله دارند. دورهم‌بودن ظاهری اعضای خانواده موجب می‌شود فاصله به چشم نیاید یا افراد متوجه آن نباشند. گاهی هم اعضای خانواده از وجود فاصله آگاه‌اند و به دلایلی به آن رضایت داده‌اند. اصولاً وجود خواسته و ناخواسته‌ی فاصله در خانواده طبیعی تلقی نمی‌شود. فاصله‌ی بین زن و شوهر از همدیگر، والدین با فرزندان و فرزندان از هم، هر کدام به نوعی نشانه‌ای از وجود مشکلی در خانواده است و باید برای اصلاح و ترمیم وضعیت اقداماتی صورت پذیرند.

ما و فاصله‌ها

مروری بر چرایی وجود

فاصله در ارتباط‌ها

ابراهیم اصلانی

روان‌شناس تربیتی



این بار بحث ما درباره‌ی انگیزش، به روان‌شناسی و شخصیت بسیار نزدیک است. باور می‌کنید «فاصله» هم بتواند موضوعی انگیزشی باشد! نویسنده، در ادامه‌ی مباحث انگیزشی، این بار روی موضوع حساسی انگشت گذاشته است که شاید خیلی‌ها مایل نباشند آن را مطرح کنند یا نتوانند چنین واقعیتی را بپذیرند. وی با طرح موضوع «فاصله» در چند موقعیت، به‌طور مختصر چرایی آن را تحلیل کرده و رهنمودهایی ارائه داده است.

در مدرسه

موقعیتی دیگر برای بحث فاصله «مدرسه» است. فضای مدرسه یکی از انسانی‌ترین موقعیت‌های ارتباطی است و به نظر می‌رسد نباید فاصله‌های بین عوامل انسانی آن اعم از دانش‌آموزان، معلمان، مدیر، کارکنان و اولیا موجود باشد. در روان‌شناسی تربیتی این موضوع با عنوان «جو مدرسه» بررسی می‌شود. یک فضای تعاملی، صمیمانه، شاداب و پویا بهترین جو مدرسه‌ای است. با این همه، مدرسه‌هایی هستند که انواع فاصله در آن‌ها تشخیص داده می‌شود؛ فاصله بین معلمان با دانش‌آموزان، مدیر با معلمان، معلمان با عوامل اجرایی و مجموعه‌ی مدرسه با والدین. در موقعیتی مثل مدرسه بعضی از فاصله‌ها می‌توانند نشانه‌ای از رعایت اصول حرفه‌ای باشند، اما این موارد کم‌وبیش مشخص‌اند. بحث حاضر بیشتر در مورد مدرسه‌هایی است که فضایی خیلی رسمی و خشک دارند و ارتباط عوامل فقط از سر وظیفه و گذران امور است، اگر چه سعی می‌شود همه چیز عادی به نظر برسد. چنین فضایی از نظر تربیتی و مدیریتی جای نقد و تحلیل دارد و البته اصلاح اوضاع هم ضروری است. فاصله‌ها نه تنها می‌توانند در اهداف و برنامه‌های تربیتی خلل ایجاد کنند، بلکه در افت انگیزشی دانش‌آموزان و عوامل مدرسه نیز تأثیر خواهند داشت. وقتی معلم، به‌عمد یا غیرعمد، بین خود و دانش‌آموزان فاصله به وجود می‌آورد، امکان‌های ارتباطی را محدود می‌کند و فرصت‌های تربیتی را از دست می‌دهد. وقتی مجموعه‌ی مدرسه با دلایل متعدد از والدین فاصله می‌گیرد، شاید به‌ظاهر اتفاق خاصی رخ ندهد، اما امکان تعامل‌هایی هدر می‌رود که می‌توانست نوعی فرصت تربیتی باشد. به همین ترتیب، فاصله گرفتن مدیر از معلمان و عوامل اجرایی مدرسه هم به عملکرد و کارآمدی مدرسه لطمه می‌زند. این موضوع را از زاویه‌ی مدیریتی بیشتر تحلیل می‌کنیم.

در مدیریت

از موقعیت‌های دیگر انسانی که در آن فاصله‌ها نمود خود را به‌وضوح نشان می‌دهند، موضوع مدیریت است. چه در مدرسه و چه در موقعیت‌های دیگر، مدیریتی که بخواهد

با فاصله گرفتن از عوامل کار کند، در عمل به نتایج مؤثری نخواهد رسید. هر چند چنین مدیرانی خود تصور کنند که بسیار کارآمد و موفق‌اند. به‌طور معمول مدیری که به فاصله معتقد است، تصور می‌کند بین او و عوامل باید حریم و مرزی وجود داشته باشد و اگر این مرز رعایت نشود، سررشته‌ی امور از دست او در خواهد رفت. گاهی حتی معلم به‌عنوان مدیر کلاس با چنین پنداری سر کلاس درس می‌رود. او به دانش‌آموزان به اصطلاح رو نمی‌دهد تا جایگاه خود را بشناسند و از مرز رد نشوند. این ذهنیت را مدیران سطوح دیگر و حتی مدیران ارشد هم دارند. شاید برای همین، مدیران اتاق خودشان را در طبقه‌ی آخر ساختمان و حتی اگر امکان داشت، در جایی دور از دسترس انتخاب می‌کنند تا ارتباط‌جوی و حتی همکاران مفهوم خودمرز را کاملاً درک کنند. بسیار دیده‌ایم، مدیرانی را که برای وقت گرفتن و دیدن آن‌ها باید ساعت‌ها وقت صرف کرد و حوصله به خرج داد، حتی اگر حوزه‌ی مدیریتی او چندان هم مهم نباشد. گاهی بخش عمده‌ای از طرح و تدبیر یک مدیر صرف آن می‌شود که چه اقدامات و مراحل را در پیش بگیرد تا فاصله‌ها را بیشتر و مرزها را پررنگ‌تر کند. سازمان معروفی را به یاد دارم که رئیس آن، طبقه آخر را برای استقرار خود برگزیده بود و عوامل سازمان و حتی معاونان و مدیران ارشد باید طی مراحل اداری خاصی به حضورش می‌رسیدند، مراحلی که گاه ماه‌ها وقت می‌برد. کارکنان همین سازمان رئیس خود را «رئیس گلخانه‌ای» می‌نامیدند و مفاهیم فاصله و مرز را عمیقاً درک کرده بودند. مدیریتی که با فاصله و مرز تفسیر شود و مدیری که بخواهد به این وسیله خود را قوی و با‌بهرت بنماید، هم از نظر شخصیتی و هم از نظر مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی جای نقد دارد. تجربه هم نشان داده است که فاصله‌ها، البته فاصله‌های غیرمنطقی و ناموجه، سازمان‌ها را از فضای انسانی و اجتماعی دور می‌کنند و در نقطه‌ی مقابل، کم کردن فاصله‌ها به تقویت فضای انسانی و امنیت روانی کمک می‌کند، باعث تسهیل امور می‌شود و به رضایت بیشتر مردم می‌انجامد.

فاصله و شخصیت

«فاصله» نشانه‌ای از بخش خصوصی شخصیت است، یعنی نشان می‌دهد هر کس در درون خود چقدر دنیای اختصاصی و محرمانه دارد. از نظر روان‌شناسی شخصیت، داشتن دنیای خصوصی و محرمانه تا اندازه‌ای لازم است، اما بزرگ‌تر شدن این فضا نشانه‌ی خوبی نیست. هر چه بخش خصوصی و محرمانه‌ی شخصیت بزرگ‌تر شود، امکان ارتباط با دیگران و نزدیک شدن به آن‌ها کاهش خواهد یافت. کسی که در مواجهه با همسر، فرزند، دوست، همکار و افراد دیگر نتواند موضوع مناسبی برای صحبت بیابد یا به هر دلیل نتواند احساسات درونی خود را انتقال دهد، نخواهد توانست خود را به آن‌ها نزدیک کند و به این ترتیب فاصله‌ها تقویت خواهد شد. «فاصله‌ها» همه‌جا به تصورات و انتظارات ما پاسخ نمی‌دهند. شاید گاهی فاصله به نتیجه‌ی مطلوبی بینجامد، ولی زیاده‌روی در فکر و عمل به آن یا استفاده‌های نابجا و غیرمنطقی از موضوع هم به کیفیت ارتباطات انسانی و هم به اعتماد جمعی لطمه می‌زند. وقتی با هر توجیهی در خانواده، مدرسه، مدیریت و موقعیت‌های دیگر به تدریج از دیگران فاصله می‌گیرید و تصور می‌کنید با «دوری» بهتر می‌توان «دوستی» کرد یا «فاصله» را نشانه‌ای برای رسیدن به ابهت و تعیین مرز می‌دانید، انتظار نداشته باشید، اطرافیان به شما اعتماد کنند.

تمرین ۲

حالا وقت خلوت کردن است. در تنهایی خودتان به این سؤال‌ها پاسخ دهید:

۱. دنیای خصوصی دارید، درست. وسعت این دنیای خصوصی چقدر است؟ موقعیتی پیش آمده است که این موضوع را بسنجید؟

۲. چقدر به «فاصله» اعتقاد دارید؟ همه‌جا یا موقعیت‌های خاص؟

۳. آیا لازم می‌دانید کمی تا قسمتی درباره‌ی فاصله‌ها بیشتر فکر کنید؟ مفهوم «فاصله» در زندگی شما درست است؟ اگر نیست، برای اصلاح آن چه قدم‌هایی باید بردارید؟